

تاوان بصیرت سخنی درباره شیخ فضل الله نوری

در جریان نهضت مشروطه همانند هر انقلاب شکل گرفته در ایران، روحانیت نقشی پر رنگ و به سزا داشته و همواره سعی کرده است تا با مخالفت ها و یا همراهی های خود در به ثمر رسیدن انقلاب ها موثر واقع شود.



در جریان نهضت مشروطه همانند هر انقلاب شکل گرفته در ایران، روحانیت نقشی پر رنگ و به سزا داشته و همواره سعی کرده است تا با مخالفت ها و یا همراهی های خود در به ثمر رسیدن انقلاب ها موثر واقع شود. در انقلاب مشروطه روحانیت نقشی زیادی داشت، که از جمله آنها شیخ فضل الله نوری بود. وی از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی و داماد مرحوم میرزای حسینی طبرسی است. وی تحصیلات خود را درسامرا به پایان رساند و سپس به عنوان یک مجتهد به ایران باز گشت.

در جریان انقلاب مشروطه شیخ فضل الله نوری به همراه آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبائی شرکت داشته و فعالیت خود را با تشکیل عدالت خانه و تاسیس مجلس آغاز می کند.

درخصوص روند مبارزاتی شیخ به مسائل متعدد می توان اشاره کرد، از جمله اینکه: شیخ فضل الله به همراه علمایی دیگر در برابر سیاست های استبدادی عین الدوله قد علم کرده و در مهاجرت دسته جمعی گروه زیادی از صنوف مردم به قم که به مهاجرت کبری مشهور شد نیز شرکت می کند.

شیخ فضل الله در جریان تدوین قانون اساسی درمجلس، هنگامی که آن را مغایر با برخی آموزه های اسلام می بیند، به مخالفت پرداخته و تمام تلاش خویش را برای اصلاح آن انجام می دهد. حتی پیشنهادهای خود را مبنی بر ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظارت فقها بر مجلس نیز ارائه می دهد که البته با مخالفت های مجلس روبرو می شود و دیگر در جلسات مجلس به نشانه اعتراض حضور نمی یابد.

شیخ فضل الله آن طور که در اسناد و مدارک مشاهده می گردد، در ابتدا از حامیان سرسخت مشروطه بوده و در این راستا تمام تلاش خود را انجام داده، اما او در نیمه راه عقاید خویش را تغییر می دهد و به مخالفت با مشروطه می پردازد.

در خصوص چرایی و چگونگی مخالفت شیخ فضل الله با مشروطه بسیاری قلمفرسایی کرده و بسیاری دیگر نیز دراین باب سخن گفته اند. در این میان برخی از شیخ چهره ای خائن ساخته و عده ای دیگر نیز شجاعت و عمل وی را ستوده اند. به راستی قضاوت تاریخ در خصوص شیخ فضل الله چگونه است؟

بنابر شهادت تاریخ، آنچه که پس از انقلاب مشروطه به وقوع پیوست مانند روی کار آمدن حکومتی دیکتاتورمآبانه هم چون رضاخان، نشان از تشخیص درست شیخ است. شیخ فضل الله از همان ابتدا می دانست مشروطه ای که انگلیس و عوامل استعماری قصد تحمیل کردن آن را بر مردم دارند، مغایر با اسلام، ملیت ایرانیان است.

شیخ فضل الله آنطور که به غلط وی را مخالف با دموکراسی، آزادی و قانون معرفی می کنند، نه تنها با این مفاهیم مخالفتی ندارد، بلکه بسیار هنرمندانه رشته ها انحراف را تشخیص می دهد و سعی دارد از مشروطه تحمیل شده و مغایر با دین جلوگیری کند.

حوادث آتی پس از اعدام شیخ فضل الله هم چون کشته شدن مرموزانه آیت الله آخوند خراسانی تنها 16 ماه پس از شهادت شیخ، به قتل رساندن سید عبدالله بهبهانی و از گردونه خارج ساختن سید محمد طباطبائی به خوبی نشان از این دارد که انگلیس و مبادی استعمار اگر در جریان مشروطه در ظاهر سعی در کمک کردن به مردم دارند، درجهت خارج کردن مشروطه ازمسیر خود می باشد.

مقصد و مقصود نهایی قدرتهایی همچون انگلیس در مشروطه، ایجاد مشروطه ای بود بر پایه مبادی غربی که در آن دین و اسلام جایی ندارد و روحانیت نیز تا جایی نقش دارند که به مخالفت و کارشکنی بپردازد. به هر روی خط شکنی شیخ با منحرفین عاقبت سر وی را بالای دار برده و قضاوت را فراروی آیندگان قرار داده است.

"زهرا سمیعی" کارشناس تاریخ